ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
چهارشنبه•۲۸فروردین۱۳۹۸•شماره۱۲۹۹

## حدیث روز

امام جواد(ع): هر کس کار زشتی را نیکو بداند، او هم در آن کار شریک است. **الفصول المهمه**

ذکر روز چهارشنبه
**صد مرتبه «یا حی یا قیوم»**

## در محضر بزرگان

### یکی از دلایل عقب‌ماندگی

مرحوم علامه جعفری گفته اند: امام علی(ع) می‌فرماید: «شنواترین گوش‌ها، گوشی است که تذکر درباره خیر و کمال را بشنود و بپذیرد و عمل کند». با در نظر گرفتن تلاش شدید پیامبران عظام و اوصیاء و اولیاء... و حکما در راه ایصال (رساندن) مردم به خیر و کمال که در هدف زندگی آنان وجود دارد، همه گونه سخنان مفید و سازنده گفته شده است. آن چه موجب عقب‌ماندگی است، گوش ندادن به آن سخنان سازنده است که ناشی از گریز از معرفت و اراده خیر است.

**تفسیر نهج‌البلاغه**

## کاریکلماتور

سید مصطفی صابری

* نوروز بدون نو شدن روزهایت می‌شود دیروز!
* بهار با همان ۴ حرفش کلی حرف برای زندگی دارد.
* در نوروز افکار تازه‌ات را با نو شدن هستی سِت کن.
* به جای سال نو، افکار نو را تحویل بگیریم و رسید هم بدهیم.
* موقع نگرانی، دل هزارپا به هزار راه می‌رود.

## بریده کتاب

### وقتی غیرمنطقی می‌شویم

ما خواسته‌هایمان را از یارمان طلب می کنیم و کنارشان بسیار غیرمنطقی می‌شویم. چون باور داریم کسی که بخش‌های مبهم وجود ما را درک می کند و حضورش بسیاری از غصه‌هامان را از بین می‌برد؛ باید بتواند هر چیز دیگر زندگی‌مان را هم درست کند.

**«سیر عشق»**
**اثر آلن دوباتن**

## قرار مدار

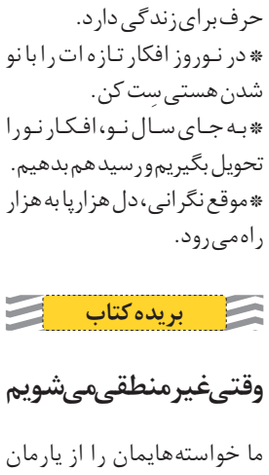


## اندکی صبر

### غزل های سپید

مسیح گرجی

با یک سبد واژه دست چندمی
چشم عاشقانه از من بردار
که زورم به غزل نمی رسد
ساده می گویم
این جا که هستی هم، بیا

## دنیا به روایت تصویر

**گتی ایمیج|** نمایشگاه مد در دانشگاه میلان، ایتالیا

**آسوشیتدپرس|** خطای دید جالب در اصطبل اسب‌ها

**رویترز|** آب‌بازی فیل‌ها با مردم در جشنواره آب، تایلند

## چند گزینه‌ای

### تاثیر کلینزمن بر کاهش تعداد چک‌های برگشتی

علیرضا کاردار|طنزپرداز

با توجه به این خبر ایسنا: «بانک مرکزی اعلام کرد چک‌های برگشتی ۱۵ درصد کم شدند.» به نظر شما دلیل آن چیست؟

الف- گرانی کاغذ و خودکار و در نتیجه خساست به خرج دادن مشتریان بانک‌ها در نوشتن چک!

ب- گم کردن دسته چک‌ها به دلیل مشغله ذهنی این روزها که به دنبالش چک کمتری صادر می‌شود!

ج- تاثیر هوای بهاری بر مشتریان که باعث می‌شود خواب‌آلود و خمیازه‌کشان، به جای ۵۰ میلیون ریال، ۵ میلیون ریال چک بنویسند که خب حتما پاس می‌شود دیگر!

د- تاثیر راهنمایی‌های آموزنده برنامه‌های تلویزیون بر مردم که عاقبت چک بی‌محل کشیدن را می‌بینند و می‌ترسند چک بدهند، یا جوانمردی یاد می‌گیرند و چک‌های بدون موجودی را برگشت نمی‌زنند!

هـ- سیل گرفتگی در همه کشور که دسته چک‌های مشتریان و چک‌های صادرشده دست مشتریان را آب برده و مثل چک‌هایی که در پلاسکو سوخت هیچی به هیچی!

و- فراگیر شدن آن چنان رونق اقتصادی که قولش را داده بودند که باعث پولدار شدن مردم شده و دیگر چک نمی‌دهند و نقدی کار می‌کنند یا فوقش کارت می‌کشند!

ز- منصرف شدن یورگن کلینزمن از قبول سمت سرمربی‌گری تیم ملی فوتبال ایران همزمان با توقیف فیلم رحمان ۱۴۰۰ که باعث سرخوردگی گروهی از افراد جامعه شده و دیگر مانند قبل تمایلی به کشیدن چک بی‌محل ندارند!

ح- سایر موارد
ط- هیچ کدام
ی- همه موارد بالا!

## منتخب چی شده؟

### موش رو نکش!

سلام، خوبین؟ ممنون از همه دوستانی که درست و طبق روش گفته شده تو مسابقه شرکت کردن. استقبال خوب بود ولی پیامک‌های بی‌ربط و بی‌نام و کم مزه متاسفانه حذف شدن.
چندتا از جمله‌های بانمک‌تر رو انتخاب کردیم که می‌خونید. دمتون گرم و خوش باشین همیشه.

* وقتی خواهر بزرگه موی خواهر کوچکه رو می‌کشه و مادرشون داد می‌زنه چرا موش رو می‌کشی؟ و یه دفعه موشا با نگرانی میان ببینن چی شده؟!
**سید حسین آروند**

* وقتی با وانت بار داری مسافرت می‌کنی و با بچه‌ها عقب نشستین و روتون پتو انداختین یهو پلیس پتو رو میزنه کنار! **فرهاد دوست علی**
* بچه‌ها وضعیت امنه، فکر کنم گربه رو سوسیس کردن! **علی عباس طلایی**
* وقتی مهمون‌های عید از پشت در چشم‌شون به آجیل‌های روی میز می‌افته!
**جواد طهان**
* وقتی که موش‌ها از توی کمد آق کمال نگاه می‌کنن که چه جوری آق کمال این متن‌های خنده‌دار را سر هم می‌کنه و از تعجب فکشون داره پایین می‌افته!
**راحله رشیدیان**
* وقتی در مترو باز میشه و همه نمی‌خوان برن بیرون و یکی از اون پشت میگه می‌خوام پیاده بشم و نمی‌ذارن پیاده بشه! **محسن سمیعی**

## دانستنی‌ها

### گوژپشت نوتردام در آتش

به‌بهانه آتش‌سوزی بخشی از کلیسای تاریخی «نوتردام» در پاریس، با هم نکات جالبی را درباره این کلیسای معروف می‌خوانیم. معنای کلمه «نوتردام» در زبان فرانسه «بانوی ما» است که به حضرت مریم(س) اشاره می‌کند. در سال ۱۱۶۳ میلادی ساخت بنای این کلیسا شروع شد که تقریبا دو قرن طول کشید و در ۱۳۴۵ میلادی به پایان رسید. در شبکه‌های اجتماعی شایعه شده ویکتور هوگو در بخشی از کتاب «گوژپشت نوتردام» آتش‌سوزی در این کلیسا را پیشگویی کرده بود.

به این کلیسا، «جنگل کلیسای جامع نوتردام پاریس» هم گفته می‌شود چرا که از ۱۳ هزار درخت بلوط برای ساخت این کلیسا و استحکام آن استفاده شده است. ۲۱ هکتار از درختان بلوط برای رسیدن به یکی از بزرگ‌ترین سازه‌های قرن سیزدهم بریده شد که برای هر تیر و سازه از یک درخت متفاوت استفاده شد. هر سال ۱۳ میلیون نفر از این کلیسا بازدید می‌کنند.

نقش‌های بسیار عجیب و وهم‌آور از حیوانات و انسان‌هایی خیالی روی دیوارها و سقف‌ها دیده می‌شود که به طرزی بسیار ماهرانه تراشیده شده است. طبق نظر کارشناسان، قرار گرفتن برخی از این مجسمه‌ها در ورودی اصلی کلیسا، نشانگر آن است که این موجودات در واقع نگهبانان کلیسا در برابر اهریمن بوده‌اند. آن‌ها افراد داخل کلیسا را از شر شیاطین و رنج‌های خارج کلیسا در امان نگه می‌داشتند.

در نمای اصلی کلیسا ۲۸ مجسمه دیده می‌شود که معرف پادشاهانی است که قبل از میلاد حضرت عیسی(ع) حکومت کردند. در سال ۱۷۹۳ گروهی از مهاجمان که فکر می‌کردند این ۲۸ نفر، پادشاهان فرانسه هستند، از ساختمان کلیسا بالا رفتند و سر تمامی این مجسمه‌ها را جدا کردند. اثری از این سرها نبود تا در سال ۱۹۷۷ به‌طور اتفاقی تعدادزیادی از آن‌ها در یک آپارتمان نزدیک کلیسا پیدا شد.

ممکن است با شنیدن نام این کلیسا رمان معروف «گوژپشت نوتردام» به ذهن‌تان برسد. درست در زمانی که کلیسای تاریخی نوتردام از رونق افتاده و در حال تخریب بود، ویکتور هوگو نویسنده بزرگ فرانسوی رمان «گوژپشت نوتردام» را منتشر کرد. انتشار این رمان در آن زمان آن‌قدر تاثیر گذار بود که موجب مرمت و احیای این بنای مذهبی –تاریخی در آن دوران شد.

منبع: fastpasstours.com

## تاپخند

* بابام پیام داده چه جوری می‌تونم یکی رو تو تلگرام بلاک کنم؟ یادش دادم، بعد زد خودمو بلاک کرد!
* استرسی که تو سرقت مسلحانه از بانک هست، خیلی کمتر از استرس اون لحظه‌ایه که آرایشگرت میگه می‌خوام مدل موی جدید برات بزنم!
* یه طلب داشتم که اگر به موقع می‌دادن بهم ۱۴۰ دلار می‌شد، اما چون الان بهم دادنش می‌شه ۳۵ دلار!
* اگه آتیش سوزی کلیسای نوتردام تو ایران بود حتما یه زوج پیدا می‌شدن که با لباس عروس و داماد وسط آتیش نشستن و دارن ازدواج می‌کنن. حسینی بای هم وسط شعله‌ها باهاشون مصاحبه می‌کرد!

## دور دنیا

### مردسگی

**میرور**- مردی از منچستر که هیچ‌گاه خود را انسان نمی‌دانسته، در یک لباس خز سنگین زندگی خود را در قالب یک سگ ادامه می‌دهد. به گفته «کازجیمز»، این مردسگی ۳۷ ساله، او هیچ‌گاه خود را انسان به حساب نمی‌آورده و از بچگی خود را سگ احساس می‌کرده و برای ارتباط با دیگران با مشکل روبه‌رو بوده است. وی ماسک سگ‌روی صورت خود قرار می‌دهد، مانند یک سگ غذا می‌خورد، پارس می‌کند و دوستانش را گاز می‌گیرد و عصبانی می‌کند! البته او غذای معمولی آدم‌ها را می‌خورد اما در مهمانی‌ها مانند بقیه سر میز غذا نمی‌نشیند!

### مادر خوانده عاشق

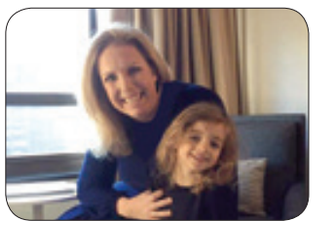

**اسکای نیوز**- یک پرستار ۴۵ ساله به نام «لیز اسمیت» در سال ۲۰۱۶ کودک چند ماهه‌ای را که در بیمارستان بدون هیچ ملاقاتی از جانب خانواده‌اش رها شده بود، به فرزندی موقت گرفت. این کودک که به دلیل اعتیاد والدینش دچار آسیب‌هایی شده بود در بیمارستان تحت مراقبت بود. همکارانش سرپرستی موقت این کودک را به او پیشنهاد کردند چون کودک به مراقبت در خانه نیاز داشت و لیز که در آرزوی فرزند بود، می‌توانست بهترین مادر برای او باشد. تا اکتبر سال ۲۰۱۸ لیز همه تلاش خود را کرد تا کودک به خانواده خودش تحویل داده شود اما خانواده‌اش از پذیرش وی ممانعت کردند و پس از آن لیز به‌طور رسمی مادری خود را ادامه داد. این روزها این مادر و فرزند به سوژه فداکاری و عشق در شبکه‌های اجتماعی معروف شده‌اند.

### شعار انتخاباتی یک نامزد صد ساله

**یورونیوز**- یک پیرزن آلمانی پس از یک قرن زندگی تصمیم گرفته است فصل تازه عمر خود را با نامزدی در انتخابات شورای شهر آغاز کند. «یزل هایزه»، معلم سابق ورزش ضمن نامزدی برای انتخابات شورای شهر، هدف خود را بر بازگشایی استخر قدیمی شهر که از سال ۲۰۱۱ میلادی تعطیل شده، متمرکز کرده است. او سال‌ها برای بازگشایی این استخر تلاش کرده اما به دلیل سن زیادش جدی گرفته نشده ولی اکنون این فرصت را پیدا کرده است تا حرف خود را به گوش همگان برساند. خانم هایزه به جوانان توصیه می‌کند که برای طول عمر بیشتر ورزش، زندگی و تغذیه سالم و پویایی مداوم ذهن را فراموش نکنند.

## تفأل

**گر تیغ بارد در کوی آن ماه**
**گردن نهادیم الحکم لله**
**آیین تقوا ما نیز دانیم**
**لیکن چه چاره با بخت گمراه**

## از اون لحاظ

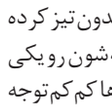

### بزغاله‌های مستقل

مهرشاد مرتضوی|طنزپرداز

شنگول و منگول و حبه انگور که پس از طلاق مادرشون و ازدواج مجدد خانم بزی با آقا گرگه، پنج تا خواهر و برادر ناتنی گرگ گیرشون اومده بود، هر شب رو با ترس و لرز می‌خوابیدن و معمولا نفری دو سه ساعت نگهبانی می‌دادن که خواهر و برادر انصف شب نیان سراغ‌شون. بالاخره تحمل‌شون تموم شد و پول جمع کردن که برن خونه مجردی بگیرن. همین که مسئله رو با مادرشون مطرح کردن، خانم بزی قشقرق راه انداخت و زمین و زمان رو به هم دوخت که مگه خونه ننه باباتون بهتون بد می‌گذره؟ کم زحمت‌تون رو کشیدم؟ کم نصف شب بالای سرتون بیدار موندم تا صبح «بع» می‌زدین و تو تب می‌سوختین؟ شما هم می‌خواین راه اون بابای بی‌غیرت‌تون رو برین که یه ذره به کانون گرم خانواده اهمیت نمی‌داد و همیشه پنجره طویله رو باز می‌ذاشت کانون خونه سرد می‌شد؟ حیف شیر! حیف علف! حیف پشکل حتی! خلاصه انقدر گفت و گفت تا بزغاله‌ها به غلط خوردن افتادن و فعلا بی‌خیال مستقل بودن شدن.
اما بشنوید از خواهر و برادرهای گرگ‌شون که برای بزغاله‌ها دندون تیز کرده بودن و هر شب نقشه می‌کشیدن که چطوری بزنن پشم و دنبه‌شون رو یکی کنن و یه لقمه چپ‌شون کنن. این پچ‌پچ‌ها و یه گوشه جمع‌شدن‌ها کم کم توجه باباشون رو جلب کرد. یه روز بچه گرگ‌ها رو صدا زد و شروع به نصیحت کرد که اونا الان دیگه خواهر و برادرای شمان و باید هواشون رو داشته باشین. اگر هم خیلی گشنه‌تون شد برین سریخچال یه چیزی بردارین. خیلی خیلی گشنه‌تون شد زنگ بزنین بَره سوخاری بیارن. دیگه خیلی خیلی خیلی گشنه‌تون شد، بزغاله همسایه هست!
ولی چشم بچه گرگ‌ها، خواهر و برادراشون رو گرفته بود و می‌خواستن اونا رو که اتفاقا خیلی هم دم دست بودن به عنوان غذا به بدن بزنن. در نهایت یه روز که مامان‌بزی و آقاگرگه رفته بودن خرید، نبرد نهایی در گرفت و بزغاله‌ها و گرگاله‌ها(!) روبه‌روی هم قرار گرفتن. دیگه کری خوندن و این چیزا رو بی‌خیال شدن و وحشیانه به جون هم افتادن که ناگهان گرگ‌ها یادشون اومد هنوز بچه‌ان و دندوناشون درست و حسابی در نیومده. بزغاله‌ها هم از فرصت استفاده کردن و با لگدهاشون حساب بچه گرگ‌ها رو رسیدن. البته گرگ‌ها هم به تلافی، لوله و قفل فرمون برداشتن و حمله کردن و دو گروه حسابی از خجالت هم دراومدن و زخمی و لت و پار افتادن یه گوشه و از کار خودشون پشیمون شدن.
نتیجه اخلاقی می‌خواین الان؟ این وضع خونواده‌هاست! دیگه چه اخلاقی؟ چه کشکی؟

## تا حالا دقت کردین؟

## ما و شما

**راه ارتباطی با ما: پیامک ۲۰۰۰۹۹۹ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶**

* بگفتا عبدلی حالت چطور است
به لطف حق بگفتم توپ توپ است
پس از واریزی یارانه امروز
خوراکم یک سره سویا و سوپ است!
**یار محمد خدنگی**

* قدیم که با همسرم بحثمون می‌شد مادرم می‌گفت اینم بخشی از شیرینی زندگیه. حالا اون قدر این شیرینی زیاد شده که هردومون مرض قند گرفتیم!
* پسر خاله عزیز و گرامی آقا مرتضی دلاکه، پیوند مبارکتان را خدمت شما و همسر گرامی‌ات خانم مریم محمدی تبریک گفته و آرزوی خوشبختی برایتان دارم.
**فرامرزی**

* بعد از خوندن سفر با «ون»، دلم خواست منم با همسرم با «ون» بریم ایران رو بگردیم، ولی یهو یادم اومد مرخصی ندارم، ماشین «ون» هم ندارم، همسر هم ندارم! **آرمین**
* آق کمال، امسال حساسیت فصلیت بهتر بود؟
**آق کمال**: ای قربونتان برم که به‌یادم هستن، راستش نه، هم مثل ابر بهار درحال حساسیت فصلی‌ام!